

ایران

صاحب امتیاز: خبرگزاری جمهوری اسلامی مدیر مسئول: محمدحسین روزی‌نور جانشین مدیر مسئول و سردبیر: کاظم‌نقی‌نور

<p>آذان ظهر ۱۱/۵۰ آذان مغرب ۱۷/۱۳ نیمه شب شرعی ۲۳/۰۷ آذان صبح فردا ۵/۲۰ طلوع آفتاب فردا ۶/۴۸</p>
--

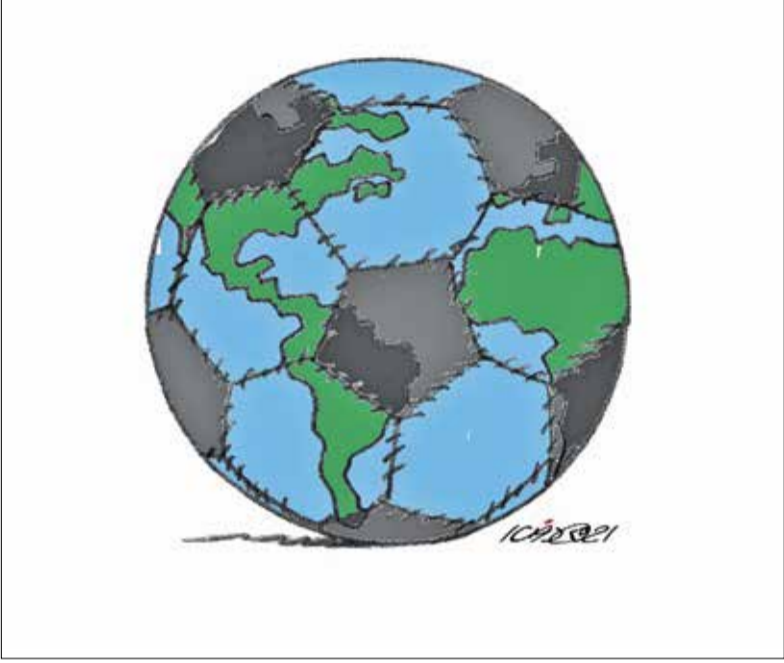
سخن روز **حضرت محمد(ص):**

محبوب‌ترین بندگان در پیش خدا؛برهیزگارگان گمنامند.

کنز العمال، ج ۳، ص ۱۵۳، ج ۵۹۲۹

نگاره

احمد رضا سهرابی



هنرمندان در فضای مجازی
<div></div> <div>گرامیداشت یاد و خاطره ایرج بسطامی، برپایی کم رونق حراج مشهور کریستیز با وجود ارائه آثار ی هنرمندان مشهور جهان و همچنین نقل قولی از ابوالفضل پورعرب درارتباط با چرایی حضورش در بیمارستان بخشی از مطالبی هستند که در فضای مجازی امروز می خوانید.</div>

■ **به یاد ایرج بسطامی**

یکم آذر ماه سالروز تولد ایرج بسطامی است؛ چهره سرشناس موسیقی سنتی کشورمان که نخستین اثرش را با آهنگسازی پرویز مشکاتیان عرضه کرد. تصنیف گل‌پونه‌ها معروف‌ترین اثر ایرج بسطامی با آهنگی از حسین پربنا است که پس از مرگ وی، آوازه ملی پیدا کرد. از دیگر آثار معروف او می‌توان به تصنیف «وطن من» با آهنگی از پرویز مشکاتیان و شعری از ملک‌الشعرا ی بهار اشاره کرد که از طرف

سازمان یونسکو سرود ملی اعلام شد. این هنرمند عرصه موسیقی سال ۱۳۳۶ دیده به زندگی گشود، آن هم در خانواده‌ای هنرمند. هر یک از اعضای خانواده او، از جد پدری گرفته تا پدربزرگ و پدر در زمینه آواز خواندن و نواختن سازهای مختلف تجربه داشتند. تولد و رشد ایرج در چنین خانواده‌ای و برخورداری‌اش از استعداد ذاتی موجب شد که او از پنج سالگی به آوازخواندن علاقه‌شنان دهد. از این رو، پدر ایرج، فرزندش را در مسیر یادگیری موسیقی و آواز قرار داد و این‌گونه، پدرش نخستین معلم آواز او در خانه شد و در نهایت ایرج تا جایی این مسیر را ادامه داد که نامش به عنوان یکی از چهره‌های موسیقی معاصرمان ثبت شد. ایرج بسطامی پنجم دی ماه سال ۱۳۸۲ در زمین‌لرزه بم و در ۲۵ سالگی با زندگی وداع گفت.

■ **برپایی کم‌رونق کریستیز**

جدیدترین حراجی آثار هنری قرن بیستم و بیست و یکم کریستیز با حضور نقاشی‌های هنرمندان نامدار جهان، به فروش آثاری به قیمت صدها میلیون دلار منجر شد. با توجه به قیمت‌های تخمینی، به نظر می‌رسد انتظارها از فروش آثار هنری برآورده نشده است. این حراجی که پنجشنبه گذشته برگزار شد، خریداران هم به صورت حضوری و هم به صورت تلفنی برای خرید تابلوهای نقاشی

ارائه شده با یکدیگر رقابت می‌کردند. در این حراجی تابلو نقاشی «بناتیرس هستینگز» (۱۹۱۵) اثر «آمادئو مودیلیانی» که با قیمت تخمینی ۱۲ الی ۱۸ میلیون دلار به حراج گذاشته شده بود به قیمت ۱۵ میلیون دلار فروخته شد. البته در این حراجی، فروش برخی از آثار هنری طبق پیش‌بینی‌ها پیش نرفت. برای مثال تابلوی نقاشی «بوفالو بیل» اثر «پابلو پیکاسو» مورد توجه تعداد کمی از خریداران قرار گرفت و در نهایت به قیمت ۱۲.۴ میلیون دلار فروخته شد.تابلو نقاشی «بیون عنوان شماره ۲» اثر «ویلیم دکونینگ» نقاش مطرح جنبش اکسپرسیونیسم انتزاعی نیز شرایط به مراتب ناامیدکننده‌تری را تجربه کرد و فروخته نشد. اما تابلو نقاشی «شوگر ری راینسون» اثر «ژان میشل باسکیا» که قرار بود ستاره بخش آثار هنری قرن بیست و یکم باشد نیز فروش موفقیت‌آمیزی نداشت؛ چراکه کارشناسان پیش‌بینی می‌کردند این نقاشی حدود ۳۵ میلیون دلار فروخته شود، اما در نهایت به قیمت ۲۲.۴ میلیون دلار فروخته شد. مجسمه قطار «جیم بیم ـ قطار جی. بی. اثر» اثر «جف کونز» به قیمت ۱۶.۹۹ میلیون دلار فروخته شد.

■ **بازنگر معروف در بیمارستان**

انتشار خبر درگذشت چهره‌های معروف سینما و تلویزیون اتفاقی است که هرازچندی دستمایه‌ای برای جنجال به پا کردن می‌شود. یکی از شاخیه‌های اخیر فضای مجازی بر همین محور نصیب ابوالفضل پورعرب شده. او هم در واکنش به انتشار این خبر کذب نکاتی درباره وضعیت سلامتی‌اش گفته است. کویا این هنرمند باسابقه سینما و تلویزیون از چندی پیش به دلیل بروز یک حادثه در فرایند تولید پروژه‌ای مستند در بیمارستان بستری شده است. او در گفت‌وگوی کوتاهی به مهر گفته: «مشغول ساخت یک فیلم مستند- داستانی با نام «سگ» بودم که کارگردانی‌اش را هم خودم انجام می‌دهم. در محل تصویربرداری به دلیل خستگی پایم زخمی شد و به دلیل همین زخم‌ها الان پایم دچار عفونت شده است که امیدوارم در مراحل درمانی بهبود حاصل شود. همچنان در بیمارستان بستری هستم واحتمالاتا دو الی سه روز دیگر با نظر پزشکان مرخص شوم.»

■ **جایزه‌ای در ۹۵ سالگی!**
«آنجلا آلواز» خیلی دیرتر از آنچه روال است قدم به عرصه موسیقی گذاشت؛ این هنرمند کوبیایی- آمریکایی در سن ۹۰ سالگی شروع به ضبط رسمی آثارش کرد. او با کسب جایزه گرمی لاتین در سن ۹۵ سالگی، به کهنسال ترین برنده تاریخ جوایز موسیقی لاتین گرمی تبدیل شده و از آن مهم‌تر اینکه ثابت کرده برای آنکه دنبال علائق خود برویم هیچ وقت دیر نیست! «آنجلا آلواز» پس از کسب جایزه لاتین گرمی برای هنرمند نوظهور گفته: «کسانی که هنوز رؤیاهای خود را محقق نکرده‌اند، بدانید که اگرچه زندگی سخت است، اما همیشه راهی برای خروج وجود دارد و با ایمان و عشق می‌توان به همه چیز دست یافت.» او پس از کسب جایزه بهترین هنرمند نوظهور در بیست و سومین مراسم سالانه گرمی لاتین، همه رؤیایر دازان را متبوق کرد و با تقدیم جایزه خود به کشورش کویا گفت: «افرادی هستند که تسلیم می‌شوند، اما من تسلیم نشدم. به شما قول می‌دهم هیچ وقت دیر نیست.»

■ **کتابی خواندنی**

«اما هم جنگ‌یدیم» عنوان کتاب تازه‌ای به قلم نرجس توکلی لشکجانی است. اگر در زمره علاقه‌مندان ادبیات جنگ و البته دقیق‌ترش تاریخ شفاهی دفاع مقدس هستید این کتاب را که روایتی از زنان ملارد از پشتیبانی خط مقدم است بخوانید. شخصیت اصلی و البته واقعی این کتاب زنی است که او را شمس‌ی خانم صدا می‌کنند؛ او از دوران جوانی و قبل از انقلاب، خانه‌اش را کلاس قرآن برای زنان و کودکان رویتاش، ملارد کرده بود. چون سخنران‌های سیاسی به جلسه دعوت می‌کرد، ساواک خانه را زیرنظر گرفته بود. با شروع انقلاب، با همان حلقه منسجم خانم‌های کلاس قرآن، اولین راهپیمایی ملارد را شکل داد و در دوران جنگ هم با مدیریت او، روستا شد یکی از مراکز مهم پشتیبانی جنگ. کامیون‌کامیون نان و مربا و ترشی و خاکشیر و ماست بود که از ملارد راهی جبهه می‌شد. مهم‌ترین‌شان هم شده بود وقت این کار. مردم می‌گفتند فروش خانه‌شان همیشه آردی بود. روایت‌های پیش رو خاطرات واقعی زنانی است که با مدیریت شمس‌ی خانم اتفاق زیبایی را در جنگ تحمیلی رقم زدند. این اثر به همت انتشارات راهیار روانه کتابفروشی‌ها شده است.

تلفن: ۸۸۷۶۱۷۲۰
تایمر: ۸۸۷۶۱۲۵۴
ارتباط مردمی: ۸۸۷۶۹۰۷۵

پیکاد: ۰۴۵۱۲۱۳۰۰۴۵۱۳
روابط عمومی / نشانی: تهران خیابان خرمشهر،شماره ۲۰۸
مندوق پستی: ۵۳۸۸-۵۳۸۸ / ۱۵۰۷۸۷۵-۱
امور مشترکین: ۸۸۷۶۸۸۰۰

چاپ: چاپخانه‌های همشهری. شرکت چاپ جامجم

سازمان آگهی‌های روزنامه ایران: دارنده گواهینامه انیزو ۹۰۰۱ از شرکت NISCERT
تهران خیابان خرمشهر شماره ۱۶ / پذیرش سازمان آگهی‌ها: ۱۸۷۷ (۰۲۱)
انتشارات مؤسسه فرهنگی مطبوعاتی ایران: ۵-۸۸۵۴۸۹۶۳
http://irannewsaper.ir

خواندن این کتاب بر زنان واجب است و برای مردان واجب‌تر

مجتبی رحماندوست، وقتی کتاب «خاطرات مرضیه حدیدچی (دباغ)» به کوشش محسن کاظمی را مطالعه کردم، به یک دانشجو توصیه کردم کتاب را بخواند. کتاب را گرفت و برد. بعد از چند روز آمد و کتاب را روی میز من گذاشت و گفت خواندم. شخصیت کتاب را می‌شناسید؟ من زنگ زدم به طاهره دباغ و گوشتی را به جوان دانشجو دادم. برق از سرش پرید، گوشتی را گرفت و بیرون رفت. مطالعه کتاب از سوی یک دانشجو نشان داد که شناخت جزئیاتی از یک مبارز چقدرمی تواند تأثیرگذار باشد که یک جوان را متحول کند. به جوانان توصیه می‌کنم این کتاب را مطالعه کنند. در این کتاب نویسنده کشف معدن جواهر کرده و نکات جالبی را درباره شخصیت مرضیه حدیدچی (دباغ) آورده است. خواندن این کتاب بر زنان واجب است و برای مردان واجب‌تر. خود من وقتی کتاب را خواندم سر ذوق آمدم تا بیشتر بخوانم و مطالب بیشتری درباره بانو دباغ بدانم.

از صحبت‌های این نویسنده در مراسم گرامیداشت سالروز درگذشت مر ضیه حدیدچی

هنر، آینه جلال

هنر، از جمله تفاخراتی است شاید، که انسان برای خلقتش می‌تواند بدان اتکا کند. از جمله رازهایی که فرشتگان به ندانستنتن منسوب و محکوم شدند و حضرت جلال، جَلّ جلاله، حجتی برای خلقت انسانش دانست! شاید براین قاطعی که خلقت انسان، این موجود به زعم فرشتگان، فاسد و خونریز و تبهکار را توجیه و موجه می‌کند، همین باشد! فعالیت‌هایی که در زمینه فلسفه، علم وهنر داشته است. اگرچه در همه آنها ۱- هم به کج‌راه‌هایی رفته است. ۲- و هم قلب حقیقت کرده است. ۳- و هم به نتایج غلطی نائل شده است. ۴- و هم وارونه دیده است! اما با همه این

نمونه‌ها، موارد صحیح، نورانی، مفید و حقیقی هم در کارنامه‌اش مشاهده می‌شود.

در فلسفه و حکمت، آنجا که به فهم صحیح و بیان مُقنع نائل آمده، انسان‌های بی‌شماری را در تاریخ، از حیرت و ظلمت نجات بخشیده و در علم، در پس ابتکارات و اختراعات، زندگی راحت و آسوده‌ای برای بشر رقم زده است و در هنر، با نمایش و زمزمه لایه‌های حقیقت، تصویر خوشایند و دل‌انگیز وجود و هستی و خلقت را به معرض تماشا و توجه قرار داده است! اگرچه این موارد درعین کثرت، از نمونه‌های نقیض‌شان قلیل‌ترند، اما ملاک، کیفیت است نه کمیت! در سرتش و فطرت آدمی، میل و گرایش به وحدت، بسیار قوی و نهادینه است. هر آنچه گویای وجود و حضور و شهود حضرت جلال است، با نهاد آدمی، دمساز و خوشنوا است!

ساز هستی، آدمی را به نوا و آوا می‌آورد و نغمه رضایت در او، ترنم می‌گیرد! هرچه با این الحان، همساز باشد، آینه نمای اوست! آینه او! آینه جلال. چرا هنر آینه جلال می‌شود؟ آن‌گاه که او (هُو) را بنماید! او را نمایش دهد! از او بگوید! از او بسراید و از او بخواند. او را توصیف کند! وصف او باشد! چرا هنر آینه جلال نیست؟ آن‌گاه که از او غایب باشد! او را نبینند! از او نگویند! او را نخوانند و نسراید! او را وصف نکنند! در این صورت که را می‌خواند؟ غیر او را! ماسوی را!

هنر در وصف ماسوی، اغراق می‌کند! اصلاً به اغراق می‌افتد! به اغراق مجبور می‌شود! چرا؟ زیرا به غیر او، هر زیبایی، در مفردات، اسیر نقص است و نقایض، به کمال ره نمی‌برند! نقایض، سقوط می‌دهند!

نوازش‌های ضربی «در دام ریتم»

در وهله اول باید گفت نقش ریتم تعیین‌کننده زیرساخت‌های قِن موسیقا و شرح‌دهنده فرازهای گوناگون پهنه موسیقایی است، حتی در موسیقی آوازی که احساس می‌شود فارغ از ریتم و وزن و تمپو است!

ریتم در شاکله اعتباربخشی محتوایی نظم و سیاق، در برگیرنده جریان‌شناسی حس و ادراک تأمین‌کننده از ابتدای تا پایان اثر و ترغیب‌کننده‌ای برای واگوی هرچه بیشتر کلام و آهنگ.

مجموعه «در دام ریتم» اثر حمید قنبری است؛ هنرمندی توانمند و خلاق در حوزه سازهای کوبه‌ای که در کنار دوستان هنرمند خود؛ ستار خطابی (کوبه‌ای)، حسام عظیمی (کوبه‌ای)، میلاد قریشی (کوبه‌ای)، علیرضا کدخدازاده (سنتور)، سولماز بدری (آوا) و همایون ظاهمی (آوا) در پنج بخش مجزا، سعی در ایجاد آزره‌های ملودیک ریتمیکی دارد که حاکی از تراوشات ذهنی با آموزه‌های مدرّسی از نظام وزن‌شناسی و ریتم در عالم موسیقی سعی و کوشش می‌کند.

به عبارتی می‌خواهد نه فلسفی و نه تحلیلی، بلکه واقع‌گرایانه مسیری را بعبایماید که برگرفته از شعور موسیقی‌ردیف دستگاهی است، با شاخص‌های کاملاً شناخته شده از مایه‌هایی که گوش آشناست ولی این بار، از فرایز دیگر بدان‌ها ریاضیه‌ها و پرداخته. شیب (تراک) اول این آلبوم با نام «آذر» است، برگرفته از گوشه چهارپاره (تصیرخوانی و بغدادی) دستگاه ماهور. در این قطعه سنتور ملودی را می‌نوازد و کوبه‌ای‌هایی چون دف و تنبک با دور ۹ ضربی پلی است، نُشود و فکر کند همه طبور هستند؛ اما اگر همین فرد یا افرادی که ریتمیک‌وار و سپس به ۵ و ۲ ضربی رهنمون و همچنین گاه استفاده از افکت و قطع و وصل‌هایی نامرسوم، نوازازی را به گوش هوش وصل می‌کنند.

قطعه دوم «مجنون» برگرفته از بخشی از ملودی گوش آشنای

موسیقی محلی فارسی با وارباسیون‌های (شبه‌وای پایه‌ای بر مبنای تغییرات آهنگ با دو یا چند قطعه براساس زمینه‌نم مشخص که هر کدام بر گرفته از ۷ ضربی که در ساختار آن از الگوی ریتمیک Tikhay موسیقی هند و پاکستان بهره گرفته شده و با طراحی و اجرای ساز بم

کمان توسط مصباح قمصری رنگ و جلایی افزون پیدا کرده است. حمید قنبری شیاریسته بال را تقدیم به پدram خاورزمینی دوست هنرمند کوبه‌ای نوازش کرده و این‌گونه آورده: «تقدیم به دوست که الهام این قطعه را اوست.»

قطعه «طلوع» جزو موسیقی‌های توصیفی قلمداد می‌شود که برای سازهای کوبه‌ای حمید قنبری نوشته و تنظیم شده و به عنوان پایان‌نامه دانشگاهی‌اش در ۱۳۷۹ در دانشگاه سوره ارائه داده است. آلبوم «در دام ریتم» سعی در تغییر عادات شنیداری دارد و می‌خواهد نقش سازهای کوبه‌ای را برجسته‌تر و شنیدنی‌تر کند برای شنوندگانی که بیشتر اهل تفاوت‌ها هستند.

در دام ریتم اثری از حمیدقنبری نشارروای آذریکیما سال۱۳۹۴

یادداشت



محسن نقر آهنگساز، پژوهشگر، مدرس موسیقی و نوازنده تار و سه تار

نقص، نقص می‌آورد! نقص، سقوط می‌دهد! نقص، افول می‌دهد. نقص، آینه ضلال است. هر چه کمال ندهد، ضلال می‌دهد! ضلال، گاهی گمراهی و گمگشتگی است و گاهی توقف. توقف در کمال، خود، ضلال است! هنری که گم می‌کند یا متوقف می‌کند، آینه ضلال است! اصلاً خود ضلالات است و اگر چنین باشد، از او دور می‌شود! زیرا از غیر او که مظهر نقص یا یادآور آن است، حکایت می‌کند! آن را روایت می‌کند!

راوی نقص، راوی ضاللت است. خود ضلال است! غیر او، یا ترکیب نقص و کمال است یا نقص محض است! نقص، ضلال و گمگشتگی است! هنر روایتگر نقص، ضاللت است. در این صورت است که آینه جلال نیست! موجود ناقص و غیر او، جلال و جلیل نیست! اصلاً غیر او ذلت است و هر ذلتی، ضلال است! هر چه نقص است، غیر اوست و هرچه غیر اوست، ذلیل است و هر چه ذلیل است، ضلیل و ضلال است! هنر، اگر وصف او نباشد، وصف نقص است و اگر وصف نقص باشد، وصف ضلالت می‌کند! یعنی ظلمت. توصیف تاریکی! هنر، که از جمله مفاخر وجود انسان است، اگر وصف او نباشد، توصیف ظلمت است! ظلمت، گمراهی و ضاللت است! اگر هنر، توصیف غیر او کند، توصیف ظلمت است و اگر چنین باشد، از او دور می‌کند، زیرا از او بسی دور است! چیزی که دور است، دور می‌کند! خاصیتش، دوری و دور کردن است! دوری و فراق، ظلمت است و ضلال.

بشر با هبوط، به قدر کافی از او دور هست. تنها، شرح این فراق است که به او نزدیک می‌شود! شرح فراق، تمنای نزدیک شدن است! با شرح فراق، به شرح فراق، خواستار نزدیکی است! وصال! با خاطره وصال، به او نزدیک می‌شود! هنر، شرح خاطره وصال است. وصال او! هنر، شرح اوست! چه فرارش، چه وصالش! هنر، آینه اوست! چه جلالش، چه جمالش! اگر هنر، غیر او بنماید و بسراید، دیگر هنر نیست! ضد هنراست. هنر، اگر او را بسراید، هدایت است! هدایت به سوی او! اگر غیر او بسراید، دوری از اوست! دوری از او، ضلالت است! هنر باید به او نزدیک کند یا دور؟! این تصمیمی است که نزد هنرمند و مخاطبش است! اگر هنر، به او نزدیک کند، هنرمند و صاحبش، به او نزدیک بوده؛ و هنر مند به او نزدیک نیست، مگر وصف او کند! چه فرارشش! چه وصالش! و اگر چنین کند، هنر آینه جلال و جمال او می‌شود! جلال و جلال حق، جَلّ جلاله. پس هنر آینه آینه جلال است یا غیر او!…؟!

سلامت روان؛ عاملی مهم در هر انتخاب

یکی از کارهایی که افراد در سطح روابط اجتماعی خود باید انجام دهند، این است که افراد مناسبی را با خود نظر سلامتی روانی برای دوستی یا رقت و آمد یا از همه مهمتر برای همسری انتخاب کنند؛ اما اولین مرحله برای این انتخاب آن است که بدانیم سلامت روان چیست؟ سلامتی روانیاید فقط نداشتن بیماری یا اختلال روانی بدانیم؛ بلکه سلامتی مفهومی گسترده‌تر دارد و برای تعامل صحیح با دیگران و تفکر کردن و احساس رضایت داشتن از زندگی، ضروری است که از روانی سالم بهره برده باشیم. سلامت روان، حالتی از زندگی کردن در شرایطی مناسب است که در آن، فرد به توانایی‌های خود آگاه باشد و بتواند با استرس‌های عادی زندگی‌اش سازگار شود و از عهده‌نقش‌های اجتماعی‌اش به‌خوبی برآید و بر اطرافیان خود بتواند اثرگذاری داشته باشد؛ بنا بر این تعریف، مشخص است که برخی مشکلات روحی مثل افسردگی، وسواس و پدبندی شدید و داشتن فکریایی با پایه‌های غیرعقلانی از جمله نشانه‌هایی از نداشتن سلامت روان هستند. گاهی تجارب کودکی یا آموزش‌های ناشایست یا محیط نامناسب، کار فرد را در زندگی سالم در شرایطی مناسب است که در آن،

فرد به توانایی‌های خود آگاه باشد و بتواند با استرس‌های عادی زندگی‌اش سازگار شود و از عهده‌نقش‌های اجتماعی‌اش به‌خوبی برآید و بر اطرافیان خود بتواند اثرگذاری داشته باشد؛ بنا بر این تعریف، مشخص است که برخی مشکلات روحی مثل افسردگی، وسواس و پدبندی شدید و داشتن فکریایی با پایه‌های غیرعقلانی از جمله نشانه‌هایی از نداشتن سلامت روان هستند. گاهی تجارب کودکی یا آموزش‌های ناشایست یا محیط نامناسب، کار فرد را در زندگی سالم در شرایطی مناسب است که در آن،

فرد به توانایی‌های خود آگاه باشد و بتواند با استرس‌های عادی زندگی‌اش سازگار شود و از عهده‌نقش‌های اجتماعی‌اش به‌خوبی برآید و بر اطرافیان خود بتواند اثرگذاری داشته باشد؛ بنا بر این تعریف، مشخص است که برخی مشکلات روحی مثل افسردگی، وسواس و پدبندی شدید و داشتن فکریایی با پایه‌های غیرعقلانی از جمله نشانه‌هایی از نداشتن سلامت روان هستند. گاهی تجارب کودکی یا آموزش‌های ناشایست یا محیط نامناسب، کار فرد را در زندگی سالم در شرایطی مناسب است که در آن، فرد به توانایی‌های خود آگاه باشد و بتواند با استرس‌های عادی زندگی‌اش سازگار شود و از عهده‌نقش‌های اجتماعی‌اش به‌خوبی برآید و بر اطرافیان خود بتواند اثرگذاری داشته باشد؛ بنا بر این تعریف، مشخص است که برخی مشکلات روحی مثل افسردگی، وسواس و پدبندی شدید و داشتن فکریایی با پایه‌های غیرعقلانی از جمله نشانه‌هایی از نداشتن سلامت روان هستند. گاهی تجارب کودکی یا آموزش‌های ناشایست یا محیط نامناسب، کار فرد را در زندگی سالم در شرایطی مناسب است که در آن، فرد به توانایی‌های خود آگاه باشد و بتواند با استرس‌های عادی زندگی‌اش سازگار شود و از عهده‌نقش‌های اجتماعی‌اش به‌خوبی برآید و بر اطرافیان خود بتواند اثرگذاری داشته باشد؛ بنا بر این تعریف، مشخص است که برخی مشکلات روحی مثل افسردگی، وسواس و پدبندی شدید و داشتن فکریایی با پایه‌های غیرعقلانی از جمله نشانه‌هایی از نداشتن سلامت روان هستند. گاهی تجارب کودکی یا آموزش‌های ناشایست یا محیط نامناسب، کار فرد را در زندگی سالم در شرایطی مناسب است که در آن،

فرد به توانایی‌های خود آگاه باشد و بتواند با استرس‌های عادی زندگی‌اش سازگار شود و از عهده‌نقش‌های اجتماعی‌اش به‌خوبی برآید و بر اطرافیان خود بتواند اثرگذاری داشته باشد؛ بنا بر این تعریف، مشخص است که برخی مشکلات روحی مثل افسردگی، وسواس و پدبندی شدید و داشتن فکریایی با پایه‌های غیرعقلانی از جمله نشانه‌هایی از نداشتن سلامت روان هستند. گاهی تجارب کودکی یا آموزش‌های ناشایست یا محیط نامناسب، کار فرد را در زندگی سالم در شرایطی مناسب است که در آن، فرد به توانایی‌های خود آگاه باشد و بتواند با استرس‌های عادی زندگی‌اش سازگار شود و از عهده‌نقش‌های اجتماعی‌اش به‌خوبی برآید و بر اطرافیان خود بتواند اثرگذاری داشته باشد؛ بنا بر این تعریف، مشخص است که برخی مشکلات روحی مثل افسردگی، وسواس و پدبندی شدید و داشتن فکریایی با پایه‌های غیرعقلانی از جمله نشانه‌هایی از نداشتن سلامت روان هستند. گاهی تجارب کودکی یا آموزش‌های ناشایست یا محیط نامناسب، کار فرد را در زندگی سالم در شرایطی مناسب است که در آن، فرد به توانایی‌های خود آگاه باشد و بتواند با استرس‌های عادی زندگی‌اش سازگار شود و از عهده‌نقش‌های اجتماعی‌اش به‌خوبی برآید و بر اطرافیان خود بتواند اثرگذاری داشته باشد؛ بنا بر این تعریف، مشخص است که برخی مشکلات روحی مثل افسردگی، وسواس و پدبندی شدید و داشتن فکریایی با پایه‌های غیرعقلانی از جمله نشانه‌هایی از نداشتن سلامت روان هستند. گاهی تجارب کودکی یا آموزش‌های ناشایست یا محیط نامناسب، کار فرد را در زندگی سالم در شرایطی مناسب است که در آن،

فرد به توانایی‌های خود آگاه باشد و بتواند با استرس‌های عادی زندگی‌اش سازگار شود و از عهده‌نقش‌های اجتماعی‌اش به‌خوبی برآید و بر اطرافیان خود بتواند اثرگذاری داشته باشد؛ بنا بر این تعریف، مشخص است که برخی مشکلات روحی مثل افسردگی، وسواس و پدبندی شدید و داشتن فکریایی با پایه‌های غیرعقلانی از جمله نشانه‌هایی از نداشتن سلامت روان هستند. گاهی تجارب کودکی یا آموزش‌های ناشایست یا محیط نامناسب، کار فرد را در زندگی سالم در شرایطی مناسب است که در آن، فرد به توانایی‌های خود آگاه باشد و بتواند با استرس‌های عادی زندگی‌اش سازگار شود و از عهده‌نقش‌های اجتماعی‌اش به‌خوبی برآید و بر اطرافیان خود بتواند اثرگذاری داشته باشد؛ بنا بر این تعریف، مشخص است که برخی مشکلات روحی مثل افسردگی، وسواس و پدبندی شدید و داشتن فکریایی با پایه‌های غیرعقلانی از جمله نشانه‌هایی از نداشتن سلامت روان هستند. گاهی تجارب کودکی یا آموزش‌های ناشایست یا محیط نامناسب، کار فرد را در زندگی سالم در شرایطی مناسب است که در آن،

سینما مهر شاهد تهران، با هنرنمایی چهره‌های حوزه کودک در تلویزیون، افتتاح شد. این سینما با ۶ سالن از شهریورماه سال ۱۴۰۱ به صورت آزمایشی فعالیت خود را آغاز کرده که حالا به‌طور رسمی کار خود را شروع کرده و میزبانی خانواده‌ها را بر عهده خواهد داشت. **تسنیم**

عکس نوشت



پاییز جان! چه سره، چه درد آلود

چون من تو نیز تنها ماندستی

ای فصل فصل‌های نگاریم

سرد سکوت خود را بسراییم

پاییزم! ای فناری غمگینم

مهدی اخوان ثالث

انکار؛ نپذیرفتن زندگی

هرمان نوبنبرگ روان‌کاو و عصب‌شناس لهستانی در مقاله‌ای در سال ۱۹۳۲ نوشت: «انکار، مکانیسمی است که تباهی روانی واقعیت در آن اتفاق می‌افتد.» یکی از مفاهیمی که در عصر رنسانس جان گرفت تا سریعاً وارد کرانه‌های شورانگیز هنر شود، مفهومی بود که معنایش این است: «به یاد داشته باش، روزی خواهی مرد.» در واقع نقاشی‌هایی

که با الهام از این مفهوم نگاره می‌شدند- بویژه نقاشی‌های سبک وان‌تایس در عصر روشنگری در اروپا- اغلب چند ویژگی مشترک داشتند: ساعت، میوه‌ای پوسیده و البته اسکلت جمجمه انسان که به ترتیب، اشاره به گذر زمان، بیماری و در نهایت مرگ داشتند. از منظر روان‌کاوی، این مضامین راوی همان واقعیات تلخی زندگی بشری هستند که اغلب به بزرگ‌ترین انکار او در زندگی بدل می‌شوند، به هسته اصلی باور و اندیشه و سپس انکار مرکزی که سایر نگرش‌ها و اعمال نیز از آنها ناشی می‌شود. در واقع با انکار، آدمی وارد تله ناسازگاری خواهد شد تا در جاده نامتناهی «فرار از واقعیت»، سرگردان شود. از این رو، در اوایل قرن بیستم، رنگموند فروید، اشاره‌ها را به عنوان یکی از مکانیسم‌های دفاعی مهم معرفی کرد که انسان به وسیله آن می‌تواند از اضطراب‌های ناخودآگاهش بکاهد. در این مکانیسم، فرد با واقعیتی مواجه می‌شود که پذیرش آن بسیار ناراحت‌کننده است و در عوض، ترجیح می‌دهد آن را رد کرده و اصرار ورزد به آنچه که ممکن است درست نباشد، به‌رغم اینکه حتی شواهد مستدلی برای صحت آن وجود داشته باشد. در این مکانیسم، وی از شناخت یا تصدیق واقعیات یا تجربیات عینی خودداری می‌کند تا همان طور که آنا فروید(دختر فروید) بیان کرده، در این فرایند ناخودآگاه فرد از خودش در برابر ناراحتی یا اضطراب محافظت کند. آنا فروید اعتقاد داشت که این مکانیسم

نیز مانند سایر مکانیسم‌های دفاعی عمدتاً در کودکی و نوجوانی مورد استفاده قرار می‌گیرد و زمانی که به‌طور منظم در بزرگسالی به کار گرفته شود، می‌تواند آسیب‌زا گردد. به عبارت دیگر انکار نیز مانند سایر مکانیسم‌ها در کوتاه‌مدت حتی می‌تواند مانند مُسکن عمل کند اما در دراز مدت، مایه رنج و عذاب می‌شود. یک مثال ساده در خصوص این مکانیسم می‌تواند آن باشد که فرد سیگاری از آنجا که نمی‌خواهد عواقب یا عوارض ناشی از مصرف آن را ببپذیرد می‌گوید که به صورت تفریحی سیگار می‌کشد یا با مصرف آن می‌تواند عملکرد بهتری در محل کارش داشته باشد. با این حال برای شناخت بیشتر انکارهای رایج، باید به ریشه‌های آن، که انکار مرکزی است، گذری زد. در این خصوص هلینا دوپچ، همکار فروید نوشته است: «در جایی که یک نگرش تعمیم یافته فعال انکار وجود دارد، این نگرش نتیجه یک انکار مرکزی است.» و دکتر لوئیز لین در سال ۱۹۵۳ در مقاله‌ای با عنوان «نقش ادراک در مکانیسم انکار» اضافه کرده که این نگرش «محصول یک آرزوی مرکزی است.» مثلاً ممکن است فردی به دلیل اضطراب این واقعیت که انسان اساساً در زندگی‌اش تنها است، دائماً درصدد این باشد که در جمع با دوستان و سایرین باشد، یا برای فرار از این واقعیت ازدواج کند و در نهایت نیز خود را برون‌گرا بنامد. در واقع آرزوی مرکزی او این است که مرکز تنها نباشد، بنابراین او اضطراب تنهایی و انکار مرکزی آن را با خرده‌انکارهای گوناگون نشان می‌دهد. با این اوصاف، همان‌طور که دکتر لیسن ادامه می‌دهد: «حقیقت اساسی در مورد انکار، جهت‌گیری آن بر خلاف واقعیت خارجی است.» و تنها بودن می‌تواند یکی از همان واقعیت‌های خارجی باشد. با این تفاسیر می‌توان از لذت منظر نیز نگریست که این مکانیسم راهی بردن لذتی‌انی است، آنچه که فروید در مقاله‌ای با عنوان «شوخ طبیعی» نوشت: (ایگو(خود) نمی‌خواهد با تیرهای واقعیت صدمه ببیند… اصرار دارد که در برابر زخم‌هایی که دنیای بیرون ایجاد می‌کند، نفوذناپذیر است، در واقع، اینها صرفاً فرصت‌هایی برای ایجاد لذت هستند.» در واقع لذتی زاینده رنج است، لذتی که طبق گفته هرمان نوبنبرگ که تباهی روانی برای کنار زدن واقعیت می‌انجامد و حتی به نادیده گرفتن حقیقتی چون «به یاد داشته باش، روزی خواهی مرد» نیز منجر می‌شود، آنچه که یادآور مرگ است، مهم‌ترین انکار مرکزی در انسان، که به آرزو و میل جاودانگی وی گره می‌خورد. بنابراین، نیمی از واقعیت زندگی آمیخته به رنج است و عدم پذیرش و انکار رنج، به منزله نچسبیدن لذت حقیقی و دیرپا و صدابلتبه، نپذیرفتن زندگی است.



سینما مهر شاهد تهران، با هنرنمایی

چهره‌های حوزه کودک در تلویزیون، افتتاح

شد. این سینما با ۶ سالن از شهریورماه سال

۱۴۰۱ به صورت آزمایشی فعالیت خود را آغاز

کرده که حالا به‌طور رسمی کار خود را شروع کرده و میزبانی

خانواده‌ها را بر عهده خواهد داشت. **تسنیم**